

واکاوی اصطلاح «تنمیق» در نسخه‌شناسی و تصحیح متون کهن براساس انجامه هفده دست‌نویس از قرن هشتم و نهم هجری

مجتبی مجرد*

چکیده

یکی از عناصر مهم در تصحیح متون کهن شناخت و فهم دقیق بعضی از اصطلاحات نسخه‌شناسی است که می‌تواند مصحح را در سنجش اعتبار دست‌نویس‌ها یاری کند. در این نوشتار کوشش شده است یکی از اصطلاحاتی واکاوی شود که کاتبان در انجامه دست‌نویس‌های فارسی و عربی، برای بیان کیفیت کتابت به‌کار می‌بردند. بدین‌منظور، نخست، واژه «تنمیق» از لحاظ تاریخی و کاربردی بررسی شده است و در ادامه کارکردهای معنایی آن در متون گوناگون عربی و فارسی تا پایان قرن نهم هجری تبیین شده است؛ سپس، با در نظر گرفتن هفده دست‌نویس مربوط به قرن‌های هشتم و نهم هجری، کاربرد خاص این اصطلاح در این قرن‌ها تجزیه و تحلیل شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که کاتبان دست‌کم در دو مورد خاص، اصطلاح «تنمیق» را در انجامه دست‌نویس به‌کار می‌برده‌اند: نخست، برای نشان‌دادن ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و دوم، برای اثبات مقابله و تصحیح دست‌نویس خود با اصل منقول‌عنه یا دیگر دست‌نویس‌های موجود از متن. از همین رو، مصححان باید در تصحیح متون به انجامه دست‌نویس‌هایی که اصطلاح «تنمیق» در آن‌ها آمده است توجه بیش‌تری نشان دهند؛ زیرا این دست‌نویس‌ها از حیث صحت و سلامت، دست‌کم مورد تأیید خود کاتب بوده است.

کلیدواژه‌ها: دست‌نویس، انجامه، تنمیق، تصحیح متن.

۱. مقدمه

در نگاهی کلی، هر دست‌نویسی را از حیث مواد (جلد، کاغذ، مرکب، و ...)، آرایه‌ها، خط، علائم و نشانه‌ها، نگاره‌ها، و ده‌ها مشخصه دیگر می‌توان بررسی و ارزیابی کرد. در این

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بجنورد، mojarad_mojtaba@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۳

میان، انجامه دست‌نویس‌ها اهمیتی ویژه دارد. انجامه شناس نامه دست‌نویس است، زیرا از طریق آن، البته در انجامه‌هایی که به‌طور مفصل نوشته شده‌اند، می‌توان زمان و مکان کتابت، هویت کتاب، مؤلف و کاتب، نوع کتابت، و اطلاعات مفید دیگری را دریافت کرد. از جمله نکاتی که از طریق انجامه‌ها می‌توان بدان پی برد، نوع کتابت نسخه است. آیا کاتب دست‌نویس خود را با شتاب و برای خودش کتابت کرده است؟ آیا پس از کتابت دست‌نویس خود را با نسخه منقول‌عنه مقابله کرده است؟ آیا در مواردی که نسخه منقول‌عنه غلط فاحش یا افتادگی داشته، کاتب دست‌نویس خود را با نسخه‌های دیگری از همان کتاب اصلاح و تکمیل کرده است؟ کاتب تا چه حد دست‌نویس خود را مطمئن و درخور استناد دانسته است؟

یکی از مهم‌ترین کم‌بودهای حوزه نسخه‌شناسی اسلامی (نسخه‌های عربی، فارسی، و ترکی) توضیح‌ندادن واژگان و اصطلاحاتی است که کاتبان، مصححان، و دست‌اندرکاران کتابت در تمدن اسلامی به‌کار می‌برده‌اند. در این میان، واژگان و اصطلاحات ویژه کاتبان، که در انجامه دست‌نویس‌ها آمده و بیان‌گر نوع کتابت نسخه است، بیش از همه ناشناخته باقی مانده است. آشنایی با این اصطلاحات اهمیت ویژه‌ای در نسخه‌شناسی و تصحیح متون کهن و در مواردی نقشی تعیین‌کننده در سنجش اعتبار نسخه‌های یک اثر دارد. مثلاً، وقتی چند دست‌نویس از یک متن وجود داشته باشد، که به‌لحاظ تاریخ کتابت به یک‌دیگر نزدیک‌اند، آشنایی با همین اصطلاحات انجامه‌ای می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در انتخاب نسخه یا نسخه‌های اساس تصحیح داشته باشد. در این نوشته کوشش شده است یکی از اصطلاحاتی بررسی شود که در انجامه دست‌نویس‌های اسلامی کاربرد داشته است و از طریق فهم معنای آن می‌توان تا حد زیادی نوع کتابت دست‌نویس را واکاوی کرد.

۲. واژه‌شناسی

«تمیق» واژه‌ای عربی و مصدر باب تفعیل از ریشه ثلاثی «نمق» است. خلیل بن احمد فراهیدی (د ۱۷۵ ق) «نمق» را به معنی «حَسَن»، یعنی «نیکو» و «زیبابودن» و صورت مزید آن را به معنای «زیباکردن» و «نیکوساختن» (کتاب) آورده است: «نَمَّقْتُ الْكِتَابَ تَمْتِيقًا حَسَنَةً وَ جَوْدَةً، وَ بِالْتَخْفِيفِ حَسَنًا» (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ج ۵، ۱۸۱). او «نمق» را به معنی «نقش کردن» و «تصویرکردن» نیز دانسته و این بیت نابغه ذبیانی (د ۶۰۴ م)، شاعر معروف جاهلی، را شاهد آورده است:

كَأَنَّ مَجْرَّ الرَّامِسَاتِ ذُبُولَهَا عَلَيْهِ فَضِيمٌ نَمَّقَتْهُ الصَّوَانُ^۱

(همان)

شعر نابغه و سخنان فراهیدی نشان می‌دهد که اصطلاح «تممیق» حتی پیش از ظهور اسلام در میان اعراب به معنی «زیباکردن» و «آراستن» پوست کاربرد داشته است و بعدها برای آراستن کتاب (از جنس پوست یا کاغذ) استفاده می‌شده است.

دیگر ارباب لغت نیز عموماً واژه «تممیق» را راجع به کتاب و کتابت معنی کرده‌اند. صاحب بن عباد (د ۳۸۵ ق) می‌نویسد: «نَمَّقَتِ الْكِتَابَ تَمْمِيقًا: إِذَا حَسَّنَتْهُ وَ نَقَّشَتْهُ ... وَ رَطَّبَتْهُ مُنْمِقًا: لَيْسَ فِيهِ نَوِيٌّ» (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ق: ج ۵، ۴۵۱). این که خرما را بدون دانه را «رَطَّبَ مُنْمِقًا» گفته‌اند، با نیکوکردن و تزئین کتاب بی‌ارتباط نیست و چه بسا مفهوم اولیه تممیق کتاب نیز از همین اصطلاح گرفته شده باشد؛ زیرا می‌دانیم که نخل و خرما در زندگی عرب جاهلی نقشی تعیین‌کننده داشته و خرما بی‌دانه از این حیث که خوردنش راحت‌تر و بی‌دردس‌تر بوده، خرما نیکوتری به‌شمار می‌رفته است و چه بسا، چنان‌که امروز نیز متداول است، خوراکی تزئینی مجالس و مهمانی‌های عرب بوده است.

دیگر اهل لغت نیز در تعریف «نمق» حرف جدیدی نیاورده و به تکرار سخنان پیشینیان خود پرداخته‌اند (برای نمونه بنگرید به جوهری، ۱۴۱۰ ق: ج ۴، ۵۶۱). به نظر می‌رسد این منظور (د ۷۱۱ ق) از اولین کسانی است که «نمق» را به معنی مطلق «نوشتن» آورده است: «نَمَّقَ الْكِتَابَ يَمْمُقُهُ، بِالضَّمِّ، نَمَقًا: كَتَبَهُ وَ نَمَّقَهُ: حَسَّنَهُ وَ جَوَّدَهُ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۱۰، ۳۶۱). چنان‌که از عبارات او برمی‌آید، فعل «نمق» هرگاه به صورت لازم به کار رود معنای «نوشتن» می‌دهد و هرگاه به صورت متعدی بیاید معنای «آراستن» و «نیکوکردن» دارد. به نظر می‌رسد کاربرد فعل لازم «نمق» به معنای «نوشتن» از حدود قرن ششم هجری متداول شده است (بنگرید به حمیری، ۱۴۲۰ ق: ج ۱۰، ۶۷۶۲)، اما سابقه معنایی فعل متعدی «نمق» به معنی «آراستن کتاب»، بسیار طولانی‌تر (دست‌کم قرن دوم هجری) است. از سخنان ابن منظور در ذیل «نمق» می‌توان به دو نکته دیگر نیز پی‌برد: نخست این که بنا به تصریح او حتی کتاب یا نامه را نیز نمق می‌گفته‌اند: «النَّمَقُ: الْكِتَابُ الَّذِي يَكْتَبُ فِيهِ» (همان)؛ دوم آن که ابن منظور معتقد است ریشه اصلی این کاربرد آراستن و منقوش کردن لباس بوده و تدریجاً به آراستن کتاب اطلاق شده است: «ثَوْبٌ نَمِيقٌ وَ مُنْمَقٌ: مَنْقُوشٌ وَ قِيلَ هَذَا لِأَنَّ الْأَصْلَ ثَمُّ كَثُرَ حَتَّى اسْتَعْمَلَ فِي الْكِتَابِ» (همان).

آرای اهل لغت را می‌توان چنین خلاصه کرد که فعل «نمق» به معنی «آراستن» و «نیکوساختن» پوست ریشه‌ای کهن دارد و به دوران عرب جاهلی بازمی‌گردد. در دوران

اسلامی «تنمیق» به معنی «آراستن» و «نیکوساختن» کتاب و صورت لازم این فعل، یعنی «نَمَق» بعدها (گویا از حدود قرن ششم) به معنای مطلق «نوشتن» یا «کتاب» استعمال شده است. درباب ریشه این فعل حداقل دو برداشت وجود دارد: نخست این که این واژه از اصطلاح «رُطَب مُنَمِق» به معنی «خرمای بدون دانه» گرفته شده است و دوم آن که نخستین کاربردهای آن مربوط به جامه بوده و «ثوب نمیق و منمَّق» به معنای «لباس منقوش» بوده است.

۳. تنمیق در متون تاریخی و ادبی

گفته شد که «آراستن» و «نیکوکردن» در مرکز حوزه معنایی تنمیق قرار دارد. این اصطلاح به مرور معانی دیگری نیز به خود گرفته است که باتوجه به نوع استعمال، بار معنایی منفی یا مثبت پیدا کرده است. به نظر می‌رسد در قرن‌های دوم و سوم هجری، اصطلاح «تنمیق» به معنای «بررسی و استقصای یک موضوع»، در میان برخی از عالمان و ادیبان مسلمان کاربرد داشته است؛ تاجایی که، برخی از مؤلفان از این اصطلاح در عنوان کتاب‌های خود استفاده می‌کردند. نمونه آن تنمیق الاخبار ابراهیم بن سفیان زیادی (د ۲۴۹ ق) و المنمق فی اخبار قریش از محمد بن حبیب (د ۲۴۵ ق) است که هر دو در قرن سوم هجری تألیف شده است (ابن ندیم، ۱۳۴۶ ش: ۹۹، ۱۷۶).

شریف رضی (د ۴۰۶ ق) «تنمیق» را در معنایی نزدیک به «پروبال دادن به چیزی» استعمال کرده است. او ذیل تفسیر آیه ۲۱ سوره حشر یکی از نظرهای زبان‌شناختی خود را درباب الفاظ و معانی بیان می‌کند. از نظر سیدرضی الفاظ فقط خادم معانی نیستند، بلکه عرصه معانی را می‌گسترند و می‌آریند: «و أنا أقول أبدأ إن الألفاظ خدم للمعانی، لأنها تعمل فی تحسین معارضها، و تنمیق مطالعها» (شریف الرضی، ۱۴۰۷ ق: ۳۳۰). خطیب بغدادی (د ۴۶۳ ق) نیز «تنمیق» را به همین معنا (پروبال دادن به چیزی) البته به منزله صفتی برای کلام ذکر کرده و ذیل شرح احوال محمد بن عبدالله شاهپوری [اصل: الشاه بوری] واعظ می‌نویسد: «له ید باسطة فی تنمیق الکلام و تزویقه» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ ق: ج ۲۱، ۱۴؛ همان: ج ۲۰، ۱۱۱).

واژه «تنمیق»، علاوه بر معانی یادشده، به معنی بزرگ‌نمایی و اغراق‌کردن در چیزی نیز به کار رفته است (برای نمونه بنگرید به ابوطالب مکی، ۱۴۱۷ ق: ج ۱، ۱۷۸، ۲۶۰). گویا توجه به همین معنا باعث شده است «تنمیق» گاهی به معنای منفی و مترادف با «تزویر و

تلبیس» استعمال شود. شیخ طوسی (د ۴۶۰ ق)، عالم بزرگ شیعی، در تفسیر آیه ۶۰ سوره یونس می‌نویسد: «افتراء الکذب افحش من فعل الکذب بتزویره و تمیقه» (طوسی، بی‌تا: ج ۵، ۳۹۹). یعنی تهمت دروغ‌گویی از خودِ دروغ‌گویی (به‌علت تزویر و تمیق آن) زشت‌تر است. حقی بروسوی (د ۱۱۳۸ ق) نیز ذیل تفسیر سوره نون، به خرافات و سخنان بی‌پایه‌ای اشاره می‌کند که اساس جهان‌شناسی قدما را تشکیل می‌داده است؛ او این سخنان و خرافات را ناشی از «اختراع اهل الکتاب و تمیق قصاص» می‌داند (حقی، بی‌تا: ج ۱۰، ۱۰۱).

به‌نظر می‌رسد این اصطلاح در متون کهن پارسی چندان مورد توجه نبوده و یکی از قدیمی‌ترین جاهایی که نگارنده این اصطلاح را در آن یافته مطلع السعدین سمرقندی است که در قرن نهم تألیف شده است. در این منبع، «تمیق» به‌معنای مطلق «نوشتن» و مترادف با «تحریر» به‌کار رفته است: «مأخوذ از اشارت حافظ ابروست که اکثر به چشم یقین مشاهده نمود و از قرار تحقیق در قید تحریر و تمیق آورده بود» (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۳ ش: ج ۴، ۱۰۵۵). در آثار فارسی که بعد از قرن نهم به رشته تحریر درآمده‌اند این اصطلاح به‌فراوانی دیده می‌شود (برای نمونه بنگرید به نوایی، بی‌تا: ۱۴۹؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۴۸۴).

۴. تمیق در نسخه‌شناسی

پیش از ورود به این بحث ذکر نکته‌ای خالی از فایده نخواهد بود: روند کتابت در تمدن اسلامی، مانند دیگر شاخه‌های علوم و فرهنگ، فراز و نشیب‌های گوناگونی داشته است. در این سیر هزار و چند صد ساله، دوران‌های درخشانی به‌چشم می‌خورد که کتابت عملی نیکو و مقدس و حتی نوعی عبادت به‌شمار می‌رفته است. دوره‌هایی نیز وجود داشته است، به‌ویژه از حدود قرن هشتم به‌بعد، که بیش‌تر کاتبان به‌علت مشغله‌های گوناگون، چندان به کتابت دل نمی‌داده‌اند و به این حرفه فقط به‌منزله شغلی برای کسب درآمد می‌نگریسته‌اند (بنگرید به مایل هروی، ۱۳۸۰: ۲۳۱-۲۴۷). در همین دورانی که کتابت از امری مقدس به شغلی در دسترس و کاتب از صورت هنرمند به کارمند تنزل پیدا کرد، بسیاری از دقت‌نظرها و مهارت‌های اصیل کاتبی یا فراموش شد یا چندان جدی تلقی نمی‌شد. از این‌رو، وقتی قصد بررسی یک اصطلاح در سنت نسخه‌نویسی اسلامی را داریم، باید بدانیم که عموم کاتبان این اصطلاح را به یک معنای خاص و دقیق نمی‌فهمیده‌اند و چه‌بسا در دوره‌های متأخرتر، فقط به تقلید از انجامه‌های پیشینیان آن را به‌کار می‌برده‌اند.

مبنای کار در این پژوهش هفده دست‌نویس از کتاب‌خانه‌های مختلف دنیاست که از قرن هشتم تا پایان قرن نهم هجری کتابت شده است و در انجامه آن‌ها از اصطلاح «تمیق» استفاده شده است. قطعاً تعداد دست‌نویس‌هایی که در انجامه آن‌ها این اصطلاح به‌کار رفته بسیار بیش‌تر است، به‌ویژه دست‌نویس‌هایی که پس از قرن یازدهم کتابت شده و کاتبانش به‌عمد یا نادانسته، این اصطلاح را به‌کار برده‌اند. از آن‌جاکه این اصطلاح از قرن دهم به‌بعد رواج گسترده‌ای یافته است، کوشش شده است با تمرکز بر دست‌نویس‌های پیش از این قرن، معنای اصطلاحی و مورد وفاق کاتبان و مصححان از «تمیق» روشن شود. پیش از ورود به بحث لازم است دست‌نویس‌های استفاده‌شده در این پژوهش به‌طور مختصر معرفی شود:

- شرح/احسیکتی، محفوظ در کتاب‌خانه کوپریلی (کوپرلو) ترکیه، شماره ۵۰۶، مورخ ۷۲۹ ق، متن انجامه:

كان الفراغ من تمیقه بنظامیة بغداد فی شعبان سنة تسع و عشرين و سبعمائة بخط الفقیر الی الله ... [نام کاتب سترده شده] اعانة الله بتوفیقه الحمد لولیه والصلاة علی نبیه.

- کنزالمعانی فی شرح حرز الأمانی، برهان‌الدین جعبری، محفوظ در کتاب‌خانه کوپریلی (کوپرلو) ترکیه، شماره ۲۳، مورخ ۷۳۶ ق، متن انجامه:

تهیاً الفراغ من تمیقه بعون الله تعالی و حسن توفیقه، لیلۃ السبت وقت العشاء لمضی ثمانیة و عشرين من شهر ربیع الآخر سنة ست و ثلاثین و سبعمائة علی ید العبد الضعیف النحیف الحقیر، الفقیر الی رحمة الله و عفوه، ابراهیم بن محمد حصیر الزیلی [کذا؟] أحسن الله خاتمتهم فی الخانقاه السعیدیة الناصریة السریاقوسیة آ، ادام الله اعصاره و اعز انصاره، و صلی الله علی سیدنا محمد و آله.

- تیسیر فی القرائة، محفوظ در کتاب‌خانه ملت استانبول (مجموعه فیض الله افندی)، شماره ۲، مورخ ۷۶۴ ق، متن انجامه:

و قد وقع الفراغ من تمیقه ضحوة یوم الخمیس المنتصف من جمادی الاول سنة اربع و ستین و سبعمائة علی ید احقر خلق الله تعالی المذنب العاصی الغریق فی لجة المعاصی حسین بن حامد بن الحاج حسین يعرف بنیر السروی احسن الله ...

- علاء السفر، محفوظ در کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی، شماره ۵/۱۲۷۸۲، مورخ ۷۸۵ ق، متن انجامه:

اتفق الفراغ من تنميته ضحوة يوم الخميس الخامس والعشرين من ذي القعدة سنة خمس وثمانين و سبعمائة.

- منشآت جلال الدين فريدون بن عكاشه (قرن هشتم در شیراز)، محفوظ در كتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ٢٢٦٣، مورخ ٧٨٦ ق، متن انجامه:

و قد فرغ من تنميته صباح يوم الاربعاء فى شهر شعبان المعظم سنة ست و ثمانين و سبعمائة. كتبه حاجى محمد الحافظ.

- شرح هداية الحكماء، احمد بن محمود هروى خرزبانى، محفوظ در كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، شماره ٥/١٢٣٧٦، مورخ ٧٨٦ ق، متن انجامه:

فرغت يد الكاتب الجانى من تنميته هذه النسخة يوم الجمعة الخامس عشر من ذي الحجة الذى وقع فى سنة ست و ثمانين و سبعمائة الهجرية حامد الله و مصلياً على نبيه محمد و آله قاسم بن محمود بن محمد الزاهدى غفر الله لهم اجمعين بمحمد و آله اجمعين.

- تسديد العقائد فى شرح تجريد القواعد، محمود بن ابى القاسم اصفهاني، محفوظ در كتابخانه ملت استانبول (مجموعه فيض الله افندى)، شماره ١١٣٨، مورخ ٧٩٩ ق، متن انجامه:

نمقه احقر خلق الله و احوجهم الى الله تعالى محمد بن موسى القرمانى احسن الله عواقبهما فى اواخر رجب الاصم سنة تسع و تسعين و سبعمائة و صلى الله على سيدنا محمد و آله اجمعين آمين يا رب العالمين.

- مصباح ذوالالباب، اثر ابوبكر بن عبدالله الفارسى، محفوظ در كتابخانه ملت استانبول (مجموعه فيض الله افندى)، شماره ١٢٧٤، مورخ ٨٠١ ق، متن انجامه:

تم الكتاب بحمد الملك التواب وصل الله على محمد خير الخلائق المستمر على احمد الطرائق و على آله مصاييح الهدى و ينابيع الجود و الندى و هو حسبى و نعم الوكيل و وقع الفراغ من تنميته و تسطيره فى محرم الحرام عام احدى و ثمانمائة.

- تفسير المدارك، ابوالبركات عبدالله بن احمد بن محمد نسفى، محفوظ در كتابخانه ملت استانبول (مجموعه فيض الله افندى)، شماره ٢٣١، مورخ ٨١٤ ق، متن انجامه:

و قد فرغ الله من تنميته هذا الجلد الاول من تفسير المدارك [...] و أسوأهم حالاً و احوجهم الى رحمة ربه السبحان محمد بن عمر بن [؟] تاب الله عليه و عفا عنه و غفر [...]؟

و لوالديه و لاستاديه و لجميع امة محمد عليه السلام ظهرة يوم السبت غرة شوال سنة اربع عشر و ثمانمائة.

-المفاتيح فى شرح المصابيح، محفوظ در كتاب‌خانه ملت استانبول (مجموعه فيض الله افندى)، شماره ۶۵، مورخ ۸۲۵ ق، متن انجامه:

فرغ من تنميته بعون الله و توفيقه الغريق فى يم الخطايا و الآمل من ربه خالق البرايا العفو و التجاوز بفضل العميم و احسانه و الطافه القديم و هو السميع العليم، راجى رحمة ربه الصمد العبد محمد بن قيام بن محمد تاب الله عليه و غفر له و لوالديه و احسن اليهما و اليه و لجميع المسلمين و المسلمات و المؤمنين و المؤمنات يوم السبت فى العشرين من شهر المبارك ربيع الاول لسنة خمس و عشرين و ثمانمائه هجرية عربية و الحمد لله.

- صحيح بخارى، محفوظ در كتاب‌خانه كوپربلى (كوپرلو) تركيه، شماره ۳۶۸، مورخ ۸۳۲ ق، متن انجامه:

وقد وقع الفراغ من تحريره و تنميته وقت العصر يوم الاحد من اواخر ذى قعدة الحرام سنة اثنين و ثلاثين و ثمانمائه بقية الاسلام هراة حماها الله عن الآفات و البليات على يد العبد الضعيف الخاطى، الراجى الى رحمة الله و غفرانه ابى زيد بن محمد بن محمود المشتهر بقطب غفر له و لوالديه، والحمد لله رب العالمين، اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و الصلاة و السلام على خير خلقه و مظهر لطفه محمد و آله و صحبه اجمعين.

- شرح هداية الحكمة، اثر شمس الدين محمد بن مبارك شاه بخارى، محفوظ در كتاب‌خانه آيت الله مرعشى نجفى، شماره ۱۲۳۷۶/۴، مورخ ۸۳۵ ق، متن انجامه:

قد فرغ من تميق هذه الرسالة على يد الضعيف النحيف المحتاج الى رحمة الله تعالى عبدالوهاب فى تاريخ سنة خمس و ثلاثين و ثمانمائه الهجرية.

- صحيح بخارى، محفوظ در كتاب‌خانه كوپربلى (كوپرلو) تركيه، شماره ۳۶۳، مورخ ۸۴۱ ق، متن انجامه:

نمق الجامع الصحيح البخارى بحمد الله و حسن توفيقه بمكة المعظمة المعززة المكرمة المشرفة، زاد الله شرفها و مهابتها و عظم اجر بانيتها، فى رابع جمادى الآخرة سنة احدى و اربعين و ثمانمائه، حامداً و مصلياً و مسلماً و الحمد لله وحده.

- التلويع الى كشف حقائق التنقيح، محفوظ در كتاب‌خانه كوپربلى (كوپرلو) تركيه، شماره ۴۷۸، مورخ ۸۵۱ ق، متن انجامه:

اتفق الفراغ من تنميقة بعون الله و توفيقه في التاسع عشر من شهر شوال المبارك سنة احدى و خمسين و ثمانمائة من يد العبد الضعيف المحتاج الى رحمة ربه اللطيف، مصطفى بن يوسف بن صالح البرسوى، من الله عليهم بالغفران و بلغهم الى مدارج اهل العرفان بمنّة و كرمه والحمد لله على التمام و على رسوله افضل السلام.

- ديوان امير خسرو دهلوى (د ۷۲۵ ق)، محفوظ در كتاب خانۀ ملى ايران، مجموعة شماره ۱۰۸۷۸۱۳، مورخ ۸۸۰ ق، متن انجامه:

و كان الفراغ من تنميقة هذا الديوان بعون الملك المنان في ابرك الايام رابع عشر ذى قعدة الحرام و واقفه ان كان ذلك اليوم يوم نوروز السلطاني على يد العبد الفقير المذنب الحقير غياث الدين بن ولى القاسمى سامحة الله في هفواته و تجاوز عن سيئاته و لمن يدعوا له و لوالديه و للمسلمين آمين رب العالمين من شهور سنة ثمانين و ثمان مائة.

- ظفرنامه تيمورى، اثر شرف الدين على يزدى، محفوظ در كتاب خانۀ آيت الله مرعشى نجفى، شماره ۱/۱۲۵۴۹، مورخ ۸۸۱ ق، متن انجامه:

قد كتبت بمدينة السلام سمرقند حماها الله تعالى عن الآفات و البليات، فرغ من تحريره و تسطيره و تنميقة الواثق الى جوار رحمة الله الملك المجيد حافظ محمد بن مولانا شيخ على حلوانى بن مولانا سيد غفر الله لهم نور الله قبرهما عاشر في شهر جمادى الاول سنة احدى و ثمانين و ثمانمائة الهجرية النبوية المصطفوية.

- جامع الفصولين، اثر ابن قاضى سماونه (د ۸۲۳ ق)، محفوظ در كتاب خانۀ كوپرلى (كوپرلو) تركيه، شماره ۵۴۸، مورخ ۸۹۹ ق، متن انجامه:

تمت الفتاوى للشيخ بدرالدين المشهور بابن قاضى سماونه رحمة الله رحمة واسعة. نَمَقَ هذه النسخة الشريفة العبد الضعيف المحتاج الى رحمة الله تعالى، الفقير الحقير يوسف بن اسماعيل النحيف الخطيب بحيفا المحروسة، عفى عنهما الغنى المغنى الهادى. تحريراً فى اواسط صفر، ختم الله بالخير والظفر سنة تسع و تسعين و ثمانمائة.

از مجموع اين هفده دستنويس، سه دستنويس به زبان فارسى و بقيه به زبان عربى است. اين نسبت تا حد زيادى نشان مى دهد كه اصطلاح «تنميقة» دست كم در دستنويس هاى زبان عربى (هرچند در قلمروهاى مانند ايران و به دست كاتبان ايرانى) بيش تر از زبان فارسى رواج داشته است. چنان كه بيش تر ذكر شد، حتى خود اصطلاح «تنميقة» نيز در متون عربى به مراتب بيش از متون فارسى كار كرد داشته است. علت اين

مسئله آن است که زبان عربی در تمدن اسلامی زبان علم به‌شمار می‌رفته است و بدیهی است که «تنمیق» تا قبل از قرن دهم هجری، پیش از آن که یک اصطلاح کثیرالاستعمال باشد، اصطلاحی علمی به‌شمار می‌آمده است. کاربرد اصطلاحاتی مانند «تعلیق» که از نظر مفهومی در نقطه مقابل «تنمیق» استعمال می‌شده نیز در قرن‌های هشتم و نهم هجری چنین بوده است (بنگرید به مجرد و یاحقی، ۱۳۹۳ ش: ۸۳-۸۶).

گستره این اصطلاح (دست‌کم در قرن‌های هشتم و نهم هجری) از شرق تا غرب تمدن اسلامی بوده است. کاتبان دست‌نویس‌های استفاده‌شده در این پژوهش، که در مناطق گوناگون سکونت داشته‌اند، از واژه «تنمیق» در معنایی مشخص، که بدان اشاره خواهد شد، استفاده کرده‌اند. حوزه جغرافیایی این کاتبان تنوع درخور توجهی دارد: در غرب و مرکز تمدن اسلامی از سریاقوس مصر تا حیفا در فلسطین، از مکه تا بغداد و شیراز، و در شرق از هرات تا سمرقند. این تنوع جغرافیایی نشان می‌دهد که در قرن‌های مورد بحث، اصطلاح «تنمیق» در مناطق گوناگون شرق و غرب تمدن اسلامی رواج داشته و کاتبان و نسخه‌خوانان با آن آشنا بوده‌اند.

نکته دیگری که از بررسی این دست‌نویس‌ها به‌دست می‌آید تنوع موضوعی در کارکرد این اصطلاح است. اولاً، این اصطلاح فقط مخصوص به یک قشر خاص نبوده است، چنان‌که در انجامه دو دست‌نویس به‌صراحت نام خانقاه و نظامیه بغداد ذکر شده است. پس چه اهل خانقاه و چه اهل مدرسه با این اصطلاح آشنا بوده‌اند. ثانیاً، کاربرد واژه «تنمیق» مخصوص تألیف‌ها و کتاب‌های خاص در رشته‌های مخصوص علمی نبوده است. تنوع موضوعی دست‌نویس‌های استفاده‌شده در این پژوهش عمومیت این اصطلاح را در میان اهل کتابت نشان می‌دهد. دست‌نویس‌های استفاده‌شده دست‌کم در هشت موضوع متنوع به رشته تحریر درآمده است: فقه و اصول، تفسیر و علوم قرآنی، منشآت‌نویسی، کتب عقاید، عرفان، حدیث، ادبیات، و تاریخ؛ اما این دست‌نویس‌ها چه ویژگی‌هایی داشته‌اند که کاتب در انجامه آن‌ها از اصطلاح «تنمیق» استفاده کرده است؟

ارزیابی مجموعه دست‌نویس‌های بررسی شده نشان می‌دهد که کاتبان دست‌کم در فاصله قرن‌های هشتم تا نهم هجری از اصطلاح «تنمیق» برای بیان چند ویژگی خاص دست‌نویس خود استفاده می‌کرده‌اند. این ویژگی‌ها گاه جنبه زیبایی‌شناختی داشته و با آرایه‌ها و تذهیب‌های دست‌نویس مرتبط بوده است و گاه نیز بیان‌گر ویژگی علمی‌ای بوده که در بیش‌تر موارد با مقوله تصحیح متن و مقابله دست‌نویس ارتباط دارد. از آن‌جاکه در این مقاله بیش‌تر کوشش شده است تا به جنبه‌های مهارتی و علمی دست‌نویس‌ها

پرداخته شود، بحث درباره کارکرد زیبایی‌شناختی این اصطلاح به مجالی دیگر واگذار شده است و به همین نکته اشاره می‌شود که کاتبان گاهی از اصطلاح «تنمیق» بدین علت بهره می‌برده‌اند تا نشان دهند که دست‌نویس آنان به دست خود یا دیگران تذهیب یافته و انواع جدول‌کشی‌ها و کتیبه‌ها و ... بر زیبایی آن افزوده است. بدیهی است که این کاتبان «تنمیق» را به همان معنی اولیه‌اش، یعنی «نیکوساختن» و «زیباکردن» دست‌نویس به کار می‌برده‌اند.

اما بیش‌تر کاتبان اصطلاح «تنمیق» را نه برای بیان ویژگی‌های ظاهری نسخه، بلکه برای نشان‌دادن صحت و سلامت متن و نمایاندن کوشش خود در تنقیح آن به کار می‌برده‌اند. در دست‌نویس‌هایی که در این مقاله بدان‌ها استناد شده است، اصطلاح «تنمیق» به همین معنی به کار رفته است؛ یعنی کاتب پس از کتابت دست‌نویس خود را دوباره با متن منقول‌عنه و گاه با دست‌نویس‌های دیگر مقابله و تصحیح کرده است. نشانه‌های مقابله و تصحیح به خط کاتب در تمامی این دست‌نویس‌ها به چشم می‌خورد و این‌که در انجامه برخی از آن‌ها علاوه بر اصطلاح «تنمیق»، از اصطلاحاتی مانند «تسطیر» یا «تحریر» نیز استفاده شده نشان می‌دهد که برخی از کاتبان «تنمیق» را مرحله نهایی کتابت می‌دانسته‌اند.

این‌که واژه «تنمیق» از قرن هفتم به بعد به تدریج معنای مطلق «نوشتن» گرفته است نشان می‌دهد که گویا در همین قرن کارکرد معنایی این اصطلاح از جنبه زیبایی‌شناختی صرف به جنبه‌های متن‌شناختی و نسخه‌شناختی گسترش یافته است. کاتبان از حدود قرن هفتم هجری به بعد، دامنه معنایی پاره‌ای از اصطلاحات را گسترانیدند و برای بیان نوع کتابت خویش از آن‌ها بهره بردند. گاهی برای این‌که نشان دهند متن خود را با سرعت و تعجیل یادداشت‌برداری کرده‌اند از اصطلاح «تعلیق» بهره می‌بردند (بنگرید به مجرد و یاحقی، ۱۳۹۳ ش: ۸۳-۸۶) و گاهی برای نشان‌دادن زحمت‌های خود در استنساخ دقیق نسخه و مقابله مجدد آن با دست‌نویس منقول‌عنه واژه «تنمیق» را در انجامه دست‌نویس به کار می‌بردند.

گاه نیز کاتبان گام را فراتر از کتابت و مقابله متن می‌گذاشتند و مثلاً در کتابت متون مترجم، ترجمه را با اصل آن، که عموماً به زبان عربی بوده است، نیز مقابله و بررسی می‌کرده‌اند. اصغر مهدوی در تصحیح ترجمه فارسی سیرت رسول‌الله، ضمن معرفی دست‌نویس‌های مورد استفاده خود، به نسخه شماره ۶۶۴۱ کتاب‌خانه مجلس اشاره می‌کند و آن را با وجود «جدیدتر» بودن از تمامی نسخه‌ها کامل‌تر می‌داند. او در تشریح ویژگی‌های نسخه اشاره می‌کند که این دست‌نویس اضافاتی دارد که با اصل عربی بهتر تطبیق می‌کند و

قسمت‌هایی در نسخه وجود دارد که دیگر نسخه‌ها فاقد آن‌ها هستند، اما نکته جالب توجه آن است که در ترقیمه این دست‌نویس عبارت «و قد وقع الفراغ من تمیق هذه النسخة الشریفة المنیعة» آمده است. اصغر مهدوی از مرحوم مینوی در این باب مدد می‌جوید و مینوی این احتمال را مطرح می‌کند که آمدن اصطلاح «تمیق» در انجامه نسخه گویا بدین علت است که کاتب «ترجمه را با متن عربی سیره یا متن دیگری مانند تاریخ طبری مقابله و تطبیق کرده و احیاناً افتادگی‌هایی را که در ترجمه ملاحظه می‌شود اصلاح و تکمیل نموده» است (ابن‌هشام، ۱۳۶۰ ش: ۱۲۸-۱۲۹).

۵. نتیجه‌گیری

تعدادی از اصطلاحاتی که در انجامه دست‌نویس‌های ایرانی - اسلامی به‌کار رفته نشان‌دهنده بیان نوع کتابت بوده است. این اصطلاحات در قرن‌های گوناگون، دگرگونی‌ها و گستره معنایی مختلفی را تجربه کرده است. واژه «تمیق» یکی از اصطلاحاتی است که در میان اعراب پیش از اسلام به معنای «زیباساختن» یا «نیکوکردن» پوست استفاده می‌شده است. این واژه در تاریخ تمدن اسلامی، تطور معنایی یافته و به تدریج معنای «کتابت» و «نوشتن» یافته است. در قرون هفتم و هشتم هجری و پس از آن، کاتبان به تدریج این واژه را در معنایی خاص به‌کار گرفتند و بدان جنبه اصطلاحی بخشیدند.

واژه «تمیق» در انجامه نسخه‌ها دست‌کم نشان‌دهنده دو وجه کارکردی است: نخست، اشاره به جنبه‌های زیبایی‌شناختی که دربرگیرنده انواع تذهیب‌ها و آرایه‌های به‌کاررفته در دست‌نویس است. این جنبه از معنای «تمیق»، به‌ویژه از قرن هشتم هجری به‌بعد رواج یافت و در قرن‌های دهم و یازدهم هجری بسیار مورد توجه قرار گرفت. وجه کارکردی دوم این واژه، که موضوع اصلی این مقاله است، نشان‌دادن تلاش کاتب برای درست‌نویسی، مقابله با نسخه منقول‌عنه، و تصحیح خط‌های موجود در متن است. بررسی انجامه هفده دست‌نویس از قرن‌های هشتم و نهم هجری نشان می‌دهد که کاتبان این دست‌نویس‌ها کوشیده‌اند پس از کتابت متن، با رجوع به دست‌نویس‌های منقول‌عنه یا دست‌نویس‌های دیگری از همان متن، به اصلاح و تصحیح دست‌نویس خویش پردازند. توجه به این نکته می‌تواند راهنمای مصححان در به‌کارگیری دست‌نویس‌های موجود از یک متن باشد و به آن‌ها نشان دهد که در میان دست‌نویس‌های هم‌اعتبار از یک متن، دست‌نویس‌هایی که با اصطلاح «تمیق» مشخص شده‌اند درجه اعتبار بیش‌تری خواهند یافت.

پی‌نوشت‌ها

۱. گویا محلی که بادهای شدید دامن خود را بر آن می‌گسترده پوست سفیدی است که هنرمندان آن را می‌آریند.
۲. سرباقوس از نواحی اطراف قاهره و خانقاه نصریه آن از خانقاه‌های معروف بوده است (بنگرید به سیوطی، ۱۴۱۸: ج ۲، ۲۲۶).

کتاب‌نامه

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، *لسان‌العرب*، تحقیق احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت: دارالفکر؛ دارصادر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۶ ش)، *الفهرست*، ترجمه محمد رضا تجلده، تهران: بانک بازرگانی ایران.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۶۰ ش)، *سیرت رسول‌الله*، مشهور به *سیره النبوی*، ترجمه و انشای رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی، مقدمه و تصحیح اصغر مهدوی، تهران: خوارزمی.
- ابوطالب مکی، محمد بن علی (۱۴۱۷ ق)، *قوت القلوب: فی معامله‌المحبوب و وصف طریق المرید الی مقام التوحید*، تصحیح عیون سود و محمد باسل، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق)، *الصحاح: تاج اللغه و صحاح العربیه*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حقی، اسماعیل بن مصطفی (بی‌تا)، *تفسیر روح البیان*، بیروت: دارالفکر.
- حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ ق)، *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم*، تحقیق حسین بن عبدالله العمری، مطهر بن علی الأدبانی، و یوسف محمد عبدالله، بیروت: دارالفکر المعاصر.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ ق)، *تاریخ بغداد أو مدینه‌السلام*، درسه و تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۸ ق)، *حسن المحاضره فی أخبار مصر و القاهره*، وضع حواشیه خلیل المنصور، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۰۷ ق)، *تلخیص البیان فی مجازات القرآن*، حقه و قدم له و صنع فهارسه محمد عبدالغنی حسن، بیروت: دارالأضواء.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق)، *المحیط فی اللغه*، تحقیق الشیخ محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم‌الکتب.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- عبدالرزاق سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق (۱۳۸۳ ش)، *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)، *کتاب العین*، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرای، قم: مؤسسه دارالهجره.

مجرد، مجتبی و محمدجعفر یاحقی (۱۳۹۳ ش)، «واکاوی اصطلاح تعلیق در نسخه‌شناسی: براساس انجامه‌های نسخه خطی سفینه تبریز و چند نسخه دیگر»، *مطالعات ملی کتاب‌داری و سازمان‌دهی اطلاعات*، دوره ۲۵، ش ۱۰۰.

نوابی، عبدالحسین (بی‌تا)، *اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمور تا شاه اسماعیل*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

وحید قزوینی، میرزا محمدطاهر بن حسین (۱۳۸۳ ش)، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، مقدمه، تصحیح، و تعلیقات سید سعید میر محمد صادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.